

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سیامک ستوده

۰۹ اگست ۲۰۱۲

کمپین حمایت از کارگران افغان و فعالان کارگری دستگیر شده چگونه شکل گرفت و پیش رفت

حمایت و جنبشی که در ماه جولای در حمایت از کارگران افغان و فعالان کارگری دستگیر شده در ایران برپا شد در نوع خود اگر نگوییم بی نظیر ولی مسلماً کم نظیر بود. بیش از ۴۵ سازمان و گروه سیاسی چپ و نهاد کارگری و زنان افغان و ایرانی چه با بیانیه های حمایتی و چه با سازماندهی تظاهرات مشترک در این کمپین شرکت کردند. در طول سه هفته اول جولای در مجموع ۱۱ تظاهرات در ۸ شهر بزرگ اروپا و کانادا در حمایت از کارگران داخل ایران برگزار شد که ۶ تای آنها بطور همزمان و با هماهنگی در یک روز معین برگزار گشت. داستان با حمله مأمورین به خانه ای در کرج و دستگیری ۶۰ فعال کارگری و دو هفته بعد با تهاجم جمعیتی از ارازل و اوباش جمهوری اسلامی به خانه های کارگران افغان در یزد در روز دوشنبه ۲۵ جون شروع شد. خشونت که در جریان دستگیری فعالان کارگری به کار رفته بود و تلفن های کارگران افغان در طول هفته و گزارش های آنان از آتش زدن خانه ها، ضرب و شتم، زد و خورد و اوضاع رقت باری که به وجود آمده بود همگی نشان از وخامت اوضاع و احتمال دور جدیدی از سرکوب و خطر گسترش این تعرضات و فجایع به شهرها و نهادهای کارگری دیگر داشت. به خصوص که در برنامه تلویزیونی روز جمعه ۲۹ جون در کانال ماهواره ای پیام افغان، با تلفن های مستقیمی که از صحنه های فجیع و جنایتکارانه در یزد می شد، بر ابعاد این نگرانی و ضرورت سازمان دادن اقدامات اعتراضی برای متوقف ساختن این اعمال جنایتکارانه افزوده شد.

در نتیجه در همان روز بیانیه ای در توضیح وقایع یزد صادر و از همه افغان ها و ایرانیان، به خصوص ساکنان خارج از کشور، در خواست اقدامات عملی من جمله برگزاری تظاهرات شد. عصر همانروز نیز ضمن تماس با نماینده روشنگر در اروپا در این مورد، در جلسه ماهانه بررسی آثار مارکس در تورنتو نیز که تعدادی از فعالان چپ تورنتو شرکت داشتند، مسأله مطرح و پیشنهاد اقدامات عملی در اینمورد شد. نتیجه آن که اعضای شورای همبستگی با مبارزات مردم ایران و اتحاد بین المللی در حمایت از کارگران ایران (واحد کانادا) که خود از قبل در

تدارک تظاهرات برای دفاع از ۶۰ فعال کارگری دستگیر شده بودند، سازماندهی برگزاری تظاهرات در چهارشنبه ۴ جولای در برابر عفو بین الملل در تورنتو را در دفاع از هر دو مورد (فعالان دستگیر شده و کارگران افغان در یزد) را به عهده گرفتند. به موازات آن احزاب و گروه‌های سیاسی و نهاد‌های کارگری در فرانکفورت نیز به پیشنهاد نماینده ما در المان متقاعد شدند تا تظاهراتی را که از قبل برای روز شنبه ۳۰ جون در دفاع از فعالان کارگری دستگیر شده تدارک دیده بودند، به تظاهرات برای دفاع از فعالان دستگیر شده و کارگران افغان هر دو تبدیل نمایند. به این ترتیب با این دو تظاهرات موتور حمایت از کارگران داخل ایران به حرکت افتاد و در ادامه آن آمستردام نیز با برگزاری تظاهرات همزمان با فرانکفورت سومین تظاهرات را به راه انداخت.

از طرفی، در حالی که تقریباً تمامی گروه‌های چپ و نهاد‌های کارگری و بعضاً زنان مانند گروه ۸ مارچ نیز با بیانیه‌های خود به جنبش حمایتی از کارگران داخل ایران پیوسته و آماده برگزاری تظاهرات بیشتری می شدند، روز ۱۴ جولای روز حمایت از کارگران افغان و فعالان کارگری در ایران اعلام و قرار شد در این روز به طور همزمان در همه شهرهای اروپا و امریکای شمالی به برگزاری تظاهرات اعتراضی اقدام شود.

به این ترتیب بود که در این روز جنبش حمایت از کارگران افغان و فعالان کارگری با برگزاری تظاهرات در کلن، برلین، اسلو، استکهلم، بروکسل، و تورنتو به اوج خود رسید. جالب این که با وجود آن که فکر میشد ۱۴ جولای روز پایانی این کمپین بوده و دیگر تظاهراتی برگزار نخواهد شد، خلاف این تصور، شنبه بعد در ۲۱ جولای نیز به طور خودجوش دو تظاهرات جداگانه دیگر در لندن انگلیس توسط گروه‌های سیاسی و نهاد‌های کارگری برگزار شد.

لازم به یادآوریست که تظاهرات کلن با شرکت ۲۵۰ نفر از افغان‌ها و ایرانیان بزرگترین تظاهرات را در میان سایر تظاهرات تشکیل می داد. در ضمن در تمام این مدت طی ۱۲ برنامه تلویزیونی زنده در روزهای جمعه، شنبه، و یکشنبه هر هفته از کانال‌های پارس و پیام افغان گزارش ویدیویی و شفاهی این تظاهرات مفصلاً به سمع دهها هزار کارگر افغان و ایرانی بیننده این برنامه‌ها می رسید و به این ترتیب شاید برای اولین بار آشنائی و رابطه مستقیم، زنده و دوطرفه‌ای میان بخشی از طبقه کارگر و حامیان چپ و سوسیالیست آن در خارج از کشور به وجود آمد.

مهمتر آن که این کمپین نشان داد برگزاری چنین کمپین‌هایی بر اساس اتحاد عمل داوطلبانه همه گروه‌های چپ و مترقی در آینده نه تنها عملی، بلکه در ابعاد وسیعتر از اینهم امکان پذیر است.

سیامک ستوده ۲۶ جولای

در جولای ۴/۲۰۱۲ در ۵:۳۴

نام : ق-ض (آدم ناراحت)

فکر می کنم تازه به خونه جدید اسباب کشی کرده بودم که مصادف شده بود با پروژه نوسازی فاضلاب تهران. هنوز فکر می کنم تابستان سال ۸۶ بود.

داخل حیاط کارتن ، کارتن وسایلم بود که بعضی هاشون رو حتی جا نداشتم ببرم داخل ، باید یجوری ردشون می کردم. از وسائل شخصی و لباسهام گرفته تا کتاب و دفتر و جزوه و

پروژه فاضلاب به این صورت بود که از داخل چاه فاضلاب ساختمان حفاری می کردند و لوله پلیمری رد میکردن تا برسه به لوله اصلی که از وسط کوچه رد می شد، که برای اینکار لازم بود شخص حفار کاملاً داخل چاه فاضلاب قرار بگیره و با چکش بادی حفاری رو انجام بده.

تقریباً تمامی کارگران این پروژه افغان بودند.

وقتی در چاه فاضلاب ما رو برداشتن و کارگر افغان وارد چاه پر از سوسک و کثافت شد ، صحنه عجیب و مشمئز کننده ای بود. هیچ وقت این جمله اش یادم نمیره که در حالی که وارد چاه شد بهم گفت :

- منو ببین ، حیوون میره اینجا که من رفتم ؟!

چند روز بعد که تقریباً کارشون تو کوچه ما تموم شده بود ، اومد زنگ خونه رو زد ، پای آیفون ازم خواست برم دم در. در رو که باز کردم در حالی که با خجالت سرشو پائین انداخته بود با لهجه شیرینش گفت :

- آقای مهندس ، اونروز دیدم این کارتن های شما تو حیاط بود ، می خواستم بگم من خیلی شعر فارسی دوست دارم ، اگه کتاب شعری ، چیزی دارین که میخواین بریزین دور ، بدینش به من.

خشکم زده بود ، دم در نگهش داشتم.

چند لحظه بعد در حالی که یه جعبه پر از کفش ، لباس های کهنه و کتاب های شعر حافظ و مشیری و فروغ در دست داشت، تو پیچ کوچه گم شد.

پی نوشت :

همه ما میدونیم خدمتی که کارگران افغان در ایران کردن رو خود ایرانی ها به مملکت خودشون نکردن ، نیروی کار فعال ، ارزان و کم توقع.

ما در عوض حقوقشون رو نادیده گرفتیم ، لهجه شون رو مسخره کردیم و دست کم گرفتیمشون. آفرین بر ما.

دلم میخواد که شاه بشم

دلم میخواد که شاه بشم، از رنج و غم رها بشم

تاج بذارم روی سرم، فرمانده قوا بشم

قلدری و زور و قمه، ارث بابا بزرگمه

اگه منو شاه بکنید آزادی میدم به همه

با سیاست کار ندارم، از شیادی هم بیزارم

سیاست و دوز و کلک واسه وزیرا میدارم

اگه میخواید قبول کنم، بار سنگین رو کول کنم

هر چی میخوام به من بدید تا چاره امور کنم

چند تا کاخ قشنگ میخوام، یه قصر توی فرنگ میخوام

برا مامان جون پيرم ياقوت رنگارنگ ميخوام
يه ويلا تو شمال ميخوام، باغاي پرتقال ميخوام
باغ گيلاس و زردآلو، مزرعه بلال ميخوام
بنز سپاه و شيك ميخوام، نوع اتوماتيك ميخوام
برا رفتن به لاس وگاس تياره كوچيك ميخوام
قالی كرموني ميخوام، پالتو و باروني ميخوام
سهم بابا از پول نفت تو كيسه و گوني ميخوام
خدمتكار و حمال ميخوام، جاسوس و خا... مال ميخوام
دلاك چابك و زرينگ براى مشت و مال ميخوام
نگهبان و آجودان ميخوام، سرلشكر و سروان ميخوام
برا حفاظت از خودم پوليس بي وجدان ميخوام
سورتمه و گاري نميخوام، ماشين باري نميخوام
تا خر ميون آداماست الاغ سواري نميخوام
فكر تو رو هم كرده ام، از درد تو غم خورده ام
براى درد دل تو صديدا دوا آورده ام
زندگيتو شاد ميكنم، از غصه آزاد ميكنم
تو كاباره موقع رقص همش تو رو ياد ميكنم
مشكل مسكن حل ميشه، از همه جا بهتر ميشه
هر كي كه خونه نداره تو پارک ميخوابه هميشه
غصه نداره بيكاري، بزن به طبل بيعاري
خودم هر وقت بيكار ميشم، ميرم پي اسب سواري
فقر و گرسنگي رو هم، خودم مداوا ميكنم
آروغ سيري ميزنم تو رو تماشا ميكنم
آي آقا يون آي خانوما، قسم به ارواح بابا
اگه منو شاه بكنيد ، آزادي ميدم به شما

مسعود الوند

۲۰۱۲ جولای